روانشناسی خانواده
۱۳۹۵، دوره ۳، شماره ۲، ۸۲-۷۱

Family Psychology
2017, Vol.3, No. 2, 71-82

نقش تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی در پیش‌بینی رضایت زناشویی

The role of differentiation, meaningfulness in life and forgiveness in predicting martial satisfaction

کبری کاظمیان مقدم*
مشاوره
مهناز مهرابی‌زاده هنرمند
دانشگاه شهید چمرن اهواز
علیرضا کیامنش
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات
سیمین حسینیان
دانشگاه الزهرا

Kobra Kazemian Moghaddam
Counseling
Mahnaz Mehrabizadeh Honarmand
Shahid Chamran University of Ahvaz
Alireza Kiamanesh
Islamic Azad University, Science and Research Branch
Simin Hosseiniyan
Alzahra University

چکیده: ناکامی زوج‌ها در حل اختلافات زناشویی ممکن است به اشکال گوناگونی بروز پیدا کند که هرکدام به‌نوبه خود می‌تواند سلامت روابط زناشویی را با خطر مواجه سازد. یکی از انواع بروز اختلافات زناشویی، عدم رضایت زناشویی است که زوج‌های بسیاری رادرگیر خود می‌کند واز عوامل بسیاری ازجمله عدم تمایزیافتگی، بخشودگی و معناداری زندگی تأثیر می‌پذیرد. هدف پژوهش حاضر، تعیین نقش تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی در پیش‌بینی رضایت زناشویی دانشجویان متأهل بود. به این منظور نمونه‌ای ۲۵۶ نفری از دانشجویان زن متأهل انتخاب شد. برای سنجش متغیرهای پژوهش از پرسشنامه تمایزیافتگی خود بازبینی‌شده اسکورن (DSI-R)، شاخص ارزشمندی زندگی باتیستاوآلموند (LRI)، مقیاس بخشش (FS) و مقیاس زوجی اینریچ (ECS)، استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که بین تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری وجود دارد. درمجموع، نتایج پژوهش نشان داد که متغیرهای تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی نقش مهمی در تبیین و پیش‌بینی واریانس رضایت زناشویی دارد.
واژه‌های کلیدی: تمایزیافتگی، معناداری زندگی، بخشودگی و رضایت زناشویی

Abstract: The failure of couples in resolving marital problems could be expressed in various forms so that each of them can be a threat to the health of marital relationship. One common type of marital discord is marital dissatisfaction, which is affected by many factors, including lack of differentiation, forgiveness and meaningfulness in life. The purpose of this study was to investigate the role of differentiation, life meaningfulness and forgiveness in predicting marital satisfaction among married female students of Islamic Azad University of Dezful. For this purpose, a sample of 256 married female students was selected. Four types of instruments were used: Skowron's revised Differentiation of Self Questionnaire (DSI-R), the Life-Regard Index (LRI), the Forgiveness scale (FS), and Enrich Couple Scales (ECS). The results showed that a significant positive relationship existed between differentiation, life meaningfulness, and forgiveness and marital satisfaction. Results also showed that differentiation, meaningfulness in life, and forgiveness had a important role in explaining and predicting the variance of marital satisfaction.
Keywords: differentiation, meaningfulness in life, forgiveness, marital satisfaction

---

* **نشانی پستی نویسنده مسوول:** دانشجوی دکتری مشاوره، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات. **پست الکترونیکی:** K.kazemian@yahoo.com
دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۶ **پذیرش:** ۱۳۹۵/۰۹/۰۸
Received: 27 Aug 2016 **Accepted:** 28 Nov 2016

مقدمه

خانواده یکی از نظام‌های اولیه جوامع بشری است که با وجود تحولات اساسی، در اهداف و کارکردهای خود ثابت مانده است و در همه جوامع اهمیت اساسی دارد. خانواده ازنظر ظاهری کوچک‌ترین واحد اجتماع به شمار می‌آید، ولی از جهت اهمیت و ارزش، هسته مرکزی اجتماع است (پرویزی، ۱۳۸۸). در حقیقت انسان موجودی اجتماعی است و وجود دو عنصر زن و مرد و زندگی مشترک آنها با یکدیگر، از ابتدا در جوامع بشری دیده شده است. بررسی عوامل تسهیل‌کننده در ارتباط بین زن و شوهر و عواملی که در تداوم این ارتباط مؤثر باشد، همواره مورد توجه بوده و با پیچیده شدن جوامع و پیچیدگی زندگی، نیاز به پژوهش‌های تازه‌تر احساس می‌شود (مصاحبی، ۱۳۸۱). زوج‌ها با آرمان زندگی مشترک و برخورداری از حمایت و آرامش به‌سوی تشکیل خانواده گام برمی‌دارند، اما خانواده با هویتی به‌مثابه یک موجود زنده تحول می‌یابد. از لحظه شروع زندگی مشترک تا پایان آن، موجودیت این نظام بالنده و در حال تحول، با عبور از مراحل مختلف دگرگون می‌شود. ازاین‌رو انطباق[1] و سازش‌یافتگی مجدد[2] با مراحلی که برای مثال با تولد فرزندان، جدایی آنها از خانواده و یا بازنشستگی زوج‌ها شکل می‌گیرند، امری ضروری است (صیادپور، ۱۳۸۱). زندگی زناشویی یکی از جهانی‌ترین نیازهای بشری است که از دو نفر با توانایی‌ها و استعدادهای متفاوت و با نیازها و علایق مختلف و در یک کلام با شخصیت‌های گوناگون تشکیل شده است (گلدنبرگ و گلدنبرگ، ۲۰۰۸ / ۱۳۹۲). یک رابطه زناشویی صمیمی مستلزم آن است که زوجین یاد بگیرند باهم ارتباط برقرار کنند و باهم متفاوت باشند (یونگ و لانگ، ۲۰۰۶).

یکی از ایده‌های مرتبط با توانایی فرد برای رسیدن به صمیمیت[3]، «تمایزیافتگی[4]» بوئن[5] است. تمایزیافتگی شامل توانایی فرد برای باقی‌ماندن در ارتباط با دیگری، در عین حفظ «ادراک خود[6]» است؛ به عبارتی تمایزیافتگی یعنی توانایی حفظ استقلال در عین حفظ ارتباط با دیگران (اسکورون و فریدلندر، ۱۹۹۸). بوئن (۱۹۷۸) معتقد است که در رابطه زناشویی هرگاه سطح تمایزیافتگی هردو زوج پایین باشد آمیزش عاطفی بیشتری روی می‌دهد که این حالت منجر به کاهش کیفیت زناشویی و سازگاری پایین در روابط زناشویی می‌شود. در عوض زوج‌هایی که حداقل آمیزش عاطفی را باهم دارند، بیشترین فردیت را نیز دارند و این، امکان باهم بودن باثبات و محکم‌تری به آنها می‌دهد (به نقل از محمودی‌مهر و نوابی‌نژاد، ۱۳۸۹). تمایزیافتگی یک جزء جدایی‌ناپذیر از توانایی فرد برای رشد صمیمیت است و به‌نظر می‌رسد سطح تمایزیافتگی با سطح رضایت زناشویی[7] مرتبط باشد. برای مثال همسرانی با سطوح پایین تمایزیافتگی که درهم‌آمیخته شده‌اند، ممکن است کمتر بتوانند بفهمند که برای بهبود روابطشان چه چیزی از یکدیگر می‌خواهند که این مطلب درنهایت به سطوح پایین‌تر رضایت زناشویی منجر می‌شود (پاتریک، سلس، جیوردانو و تولرود، ۲۰۰۷).

معنا[8] در زندگی به چندین دلیل به‌عنوان یک موضوع مهم در زندگی زناشویی، موردبررسی قرار گرفته است. فرانکل[9] (۱۹۸۴) معتقد است: «در زندگی لذت و شادمانی باید وجود داشته باشد اما خود نباید هدف واقع شود. نمی‌توان در جستجوی خوشبختی رفت و آن را یافت، زیرا خوشبختی نتیجه معنایی است که خود ما به کل شرایط زندگی‌مان می‌دهیم». وقتی زن و شوهر درگیر بی‌معنایی در زندگی هستند، تمایلی به زندگی مشترک ندارند و میل به جدایی در آنها زیاد می‌شود. شاید فکر کنید زوجینی که معنایی در زندگی ندارند، محکوم به شکست هستند و تمایل به طلاق آنها زیاد است و اگر زوجین نتوانند در زندگی رنج ببرند و معنای رنج را درک کنند، ادامه زندگی آنها مخدوش می‌شود (به نقل از یوسفی و کیانی، ۱۳۹۱). کسانی که زندگی خود را معنادار می‌بینند، اعتقاد دارند که زندگی هدف مهمی دارد و قابل فهم است. به‌این‌ترتیب، شخصی که سطوح بالاتری از معناداری در زندگی را تجربه می‌کند به آسانی قادر به رویارویی با شرایط سخت است. سطوح بالای معنا در زندگی نه فقط به فرد در رویارویی با دشواری‌ها کمک می‌کند، بلکه باعث افزایش رضایت شخصی و زناشویی، احساس کامیابی و کاهش دلزدگی

1. adjustment
2. re-adaptation
3. intimacy
4. differentiation of self
5. Bowen, M.
6. sense of self
7. marital satisfaction
8. meaning
9. Frankl,V.

زناشویی[1] در فرد می‌شود. درنتیجه می‌توان گفت جنبه‌های خاصی از معناداری نقش عمده‌ای در افزایش توان فرد در مقابله با مشکلات دارد (کیم، لی، یو، لی و پیگ، ۲۰۰۵).

بخشش[2] فرآیندی است که شامل تغییر در احساسات و نگرش در مورد فرد خطاکار می‌شود. نتیجه این فرآیند، کاهش انگیزه برای اقدام تلافی‌جویانه و یا حفظ بیگانگی با فرد خاطی است و احساسات منفی نسبت به فرد خطاکار را از بین می‌برد. همچنین نظریه‌پردازان بر این باورند که بخشش، نشان‌دهنده جایگزینی احساسات منفی با نگرش‌های مثبت ازجمله شفقت و خیرخواهی است (فیلپات، ۲۰۰۶). درواقع، تنفر ایجادشده ناشی از خطاهای همسر، احتمالا تقویت‌کننده تعارض زوج‌ها و مانع حل موفقیت‌آمیز آن است. در مقابل، بخشش همسر یکی از ابزارهای بالقوه فراهم‌کننده آشتی[3]، علی‌رغم وجود یک رویداد دردناک و نگران‌کننده است، بنابراین بخشودگی می‌تواند کاربردهای قابل‌توجهی برای یک رابطه بلندمدت و همچنین الگوهایی جهت تعاملات کوتاه‌مدت داشته باشد (فینچام، بیچ و داویلا، ۲۰۰۴).

اسچوماچر[4] (۲۰۰۵؛ به نقل از نصرتی، ۱۳۹۰) مهم‌ترین عامل رضایت زناشویی را انطباق بین زوج‌ها توصیف می‌کند و معتقد است این عامل سطح رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد. رضایت زناشویی، میزان علاقه‌مندی زوج‌ها به یکدیگر و نگرش مثبت به متأهل بودن است که با عواملی ازجمله تحریف آرمانی، مسائل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان، دوستان و جهت‌گیری مذهبی وابسته است. الیس[5] (۱۹۷۳؛ به نقل از عسکری فر، ۱۳۸۰) رضایت زناشویی را حاصل مبادله رفتارهای پاداش بخش می‌داند. این نظریه‌پرداز رضایت زناشویی را زمانی لذت تجربه‌شده توسط زن یا شوهر می‌داند که همه جنبه‌های ازدواجشان را در نظر گرفته باشند. رضایت در این دیدگاه یک متغیر نگرشی است که از خصوصیات فردی زن و شوهر محسوب می‌شود. آریامنش، فلاح چای و زارعی (۱۳۹۲)، بیادسی_ آشکار و پلژ (۲۰۱۳)، بیرامی و همکاران، (۱۳۹۱)، قمری کیوی، شیخ‌الاسلامی و صمدی (۱۳۹۴)، طالبی و غباری بناب (۱۳۹۲)، مجد، موسوی و کاظمی (۱۳۹۴)، گابلمن (۲۰۱۳) و لیکانی (۲۰۱۳) در پژوهش‌های خود به بررسی رابطه بین تمایزیافتگی و رضایت زناشویی پرداخته‌اند. نتایج یافته‌های آنها نشان داد که بین رضایت زناشویی و تمایزیافتگی خود رابطه معناداری وجود دارد و تمایزیافتگی خود در سازگاری زوجین نقش ایفا می‌کند. آنها به این نتیجه رسیدند که تمایزیافتگی، پیش‌بین خوبی برای تعارض و ضایت زناشویی است. به‌گونه‌ای که با تعارض زناشویی رابطه منفی و با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد.

آقابابایی (۱۳۸۹)، ربانی و بهشتی (۱۳۹۰)، طالب‌زاده شوشتری و پورشافعی (۱۳۹۰)، غفوری، مشهدی و حسن‌آبادی (۱۳۹۲)، گواهی جهان (۱۳۸۷)، نصیری و جوکار (۱۳۸۷)، وو (۲۰۰۹)، هو[6] و همکاران (۲۰۱۰؛ به نقل از غفوری و همکاران، ۱۳۹۲)، یزدخواستی و همکاران (۱۳۸۷)، یوسفی (۱۳۹۱)، یی هو، چانگ و چانگ (۲۰۱۰)، در پژوهش‌های خود به بررسی رابطه بین معناداری زندگی و رضایت زناشویی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش این پژوهشگران حاکی از این مطلب بود که بین معناداری زندگی و رضایت از زندگی رابطه مثبت معناداری وجود دارد و داشتن فلسفه در زندگی با افزایش رضایت زناشویی و کاهش تعارضات زناشویی و دلزدگی زناشویی مرتبط است.

احتشام زاده، مکوندی و باقری (۱۳۸۸)، باکوس (۲۰۰۹)، برایت‌وایت، سلبی و فینچام (۲۰۱۳)، تسه و ییپ (۲۰۰۹)، خجسته‌مهر، کرایی و نجفی (۱۳۸۹)، دغاغله، عسگری و حیدری (۱۳۹۱)، زارع و همکاران (۱۳۹۲)، زهتاب‌نجفی، زندی‌پور و یادگاری (۱۳۸۶)، صلاحیان و همکاران (۱۳۸۹)، لیسیگا (۲۰۱۳) و نادری، مولوی و نوری (۱۳۹۴)، در پژوهش‌های خود رابطه بخشودگی و رضایت زناشویی را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج یافته‌های آنها حاکی از وجود رابطه مثبت معناداری بین بخشش و رضایت زناشویی بود. در پژوهش‌های آنها بخشودگی بهترین پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی زوج‌ها گزارش شد. نتایج بیان‌کننده این مطلب بود که همدلی و بخشش، رضایت زوج‌ها را پیش‌بینی می‌کنند و همچنین همدلی و بخشودگی از مولفه های مؤثر بر رضایت زناشویی هستند.

با توجه به اهمیت خانواده و رضایت زناشویی در افزایش کارکرد خانواده و سلامت جامعه، ضرورت دارد عوامل مرتبط با

1. disaffection
2. forgiveness
3. closure
4. Schumacher, G.
5. Ellis, A.
6. Ho, S.

آن، یعنی، تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی به‌عنوان سازه‌هایی بنیادین و اثرگذار بر روند بهبود و تقویت استحکام خانواده و روابط زناشویی رضایت‌بخش موردبررسی قرار گیرد. هرچند که در پژوهش‌های قبلی رابطه برخی از متغیرها با رضایت زناشویی بررسی شده است، ولی با این ترکیب از متغیرها برای پیش‌بینی و تبیین واریانس رضایت زناشویی پژوهشی انجام نشده است؛ بنابراین هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی است. با توجه به هدف پژوهش و ملاحظات نظری و یافته‌های پژوهشی موجود، فرضیه‌ها و سوال‌های پژوهش به این شرح آزمون شدند: ۱) تمایزیافتگی با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد، ۲) بخشودگی با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد، ۳) معناداری زندگی با رضایت زناشویی رابطه مثبت دارد. پرسش پژوهش: کدام یک از متغیرهای تمایزیافتگی، بخشودگی و معناداری زندگی قدرت بیشتری در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارد؟

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول بود. کل جامعه موردبررسی ۷۵۰ نفر دانشجوی زن متأهل شاغل به تحصیل در ۱۳ رشته (روانشناسی و مشاوره ۸۰ نفر، تربیت‌بدنی ۴۰ نفر، علوم تربیتی ۱۰۰ نفر، حقوق ۷۰ نفر، زبان انگلیسی ۵۰ نفر، ادبیات فارسی ۵۰ نفر، مامایی ۶۰ نفر، حسابداری ۵۰ نفر، پرستاری ۴۰ نفر، کامپیوتر ۵۰ نفر، شیمی محض ۶۰ نفر، معماری ۵۰ نفر، برق ۵۰ نفر) بود. نمونه پژوهش مشتمل بر ۲۵۶ نفر از این دانشجویان بود که با توجه به جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) به روش تصادفی ساده انتخاب شدند. میانگین و انحراف استاندارد سنی شرکت‌کنندگان در پژوهش به ترتیب برابر با ۲۴/۸۵ و ۶/۶۷ بود.

ابزار سنجش

مقیاس زوجی اینریچ (ECS). مقیاس زوجی اینریچ[1] حاوی ۳۵ ماده است که در سال ۲۰۰۶ توسط السون (به نقل از آسوده، خلیلی، لواسانی و دانشپور، ۱۳۸۹) ساخته شد. طیف نمره‌گذاری این مقیاس برای هر یک از ماده‌ها شامل پنج گزینه «کاملا موافقم»، «موافقم»، «نه موافق و نه مخالف»، «مخالفم»، «کاملا مخالفم» است؛ که برای آنها نمره‌ای از ۱ تا ۵ تعلق می‌گیرد. مقیاس زوجی اینریچ توسط دیوید السون و امی السون در سال ۲۰۰۰ (به نقل از آسوده و همکاران، ۱۳۸۹) روی ۲۵۵۰۱ زوج متاهل اجرا شد. ضریب آلفای کرونباخ[2] پرسشنامه برای زیرمقیاس‌های رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض و تحریف آرمانی[3] به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۰، ۰/۸۴، ۰/۸۳ و پایایی بازآزمایی[4] مقیاس برای هر خرده آزمون به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۱، ۰/۹۰، ۰/۹۲ به‌دست آمد. ضریب آلفای مقیاس در پژوهش آسوده و همکاران (۱۳۸۹) با تعداد ۳۶۵ زوج «۷۳۰ نفر» به ترتیب ۰/۶۸ (با حذف سوال ۲۴ آلفا ۰/۷۸ می‌شود)، ۰/۷۸، ۰/۶۲، ۰/۷۷ به دست آمد. در این پژوهش پایایی کل مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد. ضریب همبستگی مقیاس اینریچ با پرسشنامه‌های رضایت زناشویی از ۰/۳۲ تا ۰/۴۲ است و با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰/۴۱ تا ۰/۶۰ است که نشان‌دهنده روایی سازه مقیاس اینریچ است (ثنایی و همکاران، ۱۳۸۷). کلیه زیرمقیاس های مقیاس اینریچ زوج‌های راضی و ناراضی را تفکیک می‌کند و این نشان می‌دهد که این مقیاس از روایی ملاکی خوبی برخوردار است. روایی محتوایی[5] مقیاس یادشده نیز توسط متخصصان مشاوره خانواده و استادان روان‌شناسی تأیید شده است (آسوده و همکاران، ۱۳۸۹).

پرسشنامه تمایزیافتگی خود بازبینی‌شده اسکورن (DSI-R). پرسشنامه تمایزیافتگی خود بازبینی‌شده اسکورن[6] نخستین بار در سال ۱۹۹۸ توسط اسکورن و فریدلندر با ۴۳ سوال طراحی و اجرا شد. این پرسشنامه با مقیاس لیکرت و در یک طیف ۶ گزینه‌ای، ۱ (اصلا در مورد من صحیح نیست) و ۶ (خیلی در مورد من صحیح است)، درجه‌بندی شده است (ثنایی ذاکر، علاقبند، فلاحتی و هومن، ۱۳۸۷). ضریب آلفای

1. Enrich Couple Scales (ECS)
2. Cronba :h's alpha
3. idealistic distortion
4. test-retest reliability
5. content validity
6. Differentiation of Self Inventory Revised (DSI-R)

کرونباخ گزارش‌شده توسط اسکورن و فریدلندر (۱۹۹۸) برای این پرسشنامه ۰/۸۸ به‌دست آمد. در پژوهش اسکورن و اسمیت (۲۰۰۳) نیز ضریب پایایی کل آزمون ۰/۹۲ به‌دست آمد. این پرسشنامه در ایران توسط یونسی (۱۳۸۵؛ به نقل از غفاری، رفیعی و ثنایی ذاکر، ۱۳۸۹) بر روی نمونه عادی هنجاریابی شده و پایایی آن از طریق بازآزمایی و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۵ به‌دست آمد. مومنی و علیخانی (۱۳۹۲) نیز پایایی این پرسشنامه را در تحقیق خود ۰/۷۹ گزارش کردند. به‌علاوه، در پژوهش اسکیان (۱۳۸۴؛ به نقل از مومنی و علیخانی، ۱۳۹۲) ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ به‌دست آمد. همچنین پایایی این پرسشنامه در پژوهش ساداتی (۱۳۹۳) به روش آلفای کرونباخ ۰/۶۹ گزارش شد. در پژوهش حاضر پایایی کل پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ بدست آمد. در ایران نیز یونسی (۱۳۸۵؛ به نقل از غفاری و همکاران، ۱۳۸۹) روایی آزمون را از طریق تحلیل عاملی[1] ۵۷/۶۷ و روایی محتوایی این آزمون را ۰/۸۳ گزارش کرد. یوسفی (۱۳۹۱) نیز در تحقیقی روایی این پرسشنامه را با سازه‌های اعتمادبه‌نفس[2] و حساسیت بین فردی[3] محاسبه کرد که ضرایب روایی کل پرسشنامه با سازه اعتمادبه‌نفس ۰/۳۹ و با سازه حساسیت بین فردی ۰/۳۶- گزارش شد.

شاخص ارزشمندی زندگی (LRI). در این پژوهش برای ارزیابی معناداری زندگی از شاخص ارزشمندی زندگی[4] باتیستا و آلموند (۱۹۷۳) استفاده شد. این آزمون شامل ۲۸ ماده در یک طیف سه گزینه‌ای شامل موافقم، نظری ندارم و مخالفم است. شواهد پژوهشی نشان می‌دهند این شاخص از ضرایب روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است (باتیستا و آلموند، ۱۹۷۳). نصیری و جوکار (۱۳۸۷) پایایی این شاخص را به روش آلفای کرونباخ برای کل شاخص ۰/۸۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر پایایی کل شاخص به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به‌دست آمد. نصیری و جوکار (۱۳۸۷) برای بررسی روایی این شاخص از تحلیل عوامل به روش مؤلفه‌های اصلی با چرخش واریماکس[5] استفاده کردند. نتایج تحلیل عاملی ساختار ۳ عاملی ابزار را تایید کرد و نشان داد که این ابزار ۰/۳۹ واریانس را تبیین می‌نماید.

مقیاس بخشش (FS). رای و همکاران (۲۰۰۱) مقیاس بخشش[6] را تدوین کردند. این مقیاس حاوی ۱۵ ماده است و سوالات در مقیاس لیکرت و در یک طیف ۵ گزینه‌ای، کاملا موافقم ۵، موافقم ۴، بی‌نظر ۳، مخالفم ۲ و کاملا مخالفم ۱، طراحی شده‌اند (به نقل از زندی پور و یادگاری، ۱۳۸۶). رای و همکاران (۲۰۰۱) آلفای کرونباخ برای کل مقیاس را ۰/۸۷ گزارش کردند. همچنین در مطالعه آنها پایایی به روش بازآزمایی برای کل آزمون ۰/۸۰ به‌دست آمد. در تحقیقی که زندی‌پور، آزادی و ناهیدپور (۱۳۹۰) انجام دادند، پایایی این آزمون از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و از روش دونیمه‌سازی[7] ۰/۸۱ به‌دست آمد. در پژوهشی دیگر که عسگری و روشنی (۲۰۱۳) انجام دادند پایایی این مقیاس به روش بازآزمون ۰/۸۰ گزارش شده است. همچنین پایایی این مقیاس در پژوهش ساداتی، مهرابی‌زاده هنرمند و سودانی (۱۳۹۳) به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر پایایی کل مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ به‌دست آمد. رای و همکاران (۲۰۰۱) بین این مقیاس و پرسشنامه بخشش انرایت[8] (EFI) همبستگی مثبت گزارش کردند. زندی‌پور و همکاران (۱۳۹۰) نیز روایی این مقیاس را از طریق همبستگی با پنج عامل پرسشنامه پنج عاملی شخصیت نئو[9] (NEO-FFI) به ترتیب با روان‌رنجورخویی[10] ۰/۴۵-، با سازگاری[11] ۰/۵۲، با برون‌گرایی[12] ۰/۳۳، توافق[13] ۰/۴۲، گشودگی[14] ۰/۳۵ گزارش کردند.

یافته‌ها

1. factor analysis
2. self confidence
3. interpersonal sensitivity
4. Life- Regard Index (LRI)

5. varimax rotation
6. Forgiveness Scale (FS)
7. split-halves
8. Enright Forgiveness Inventory (EFI)
9. NEO Five- Factor Personality Inventory (NEO-FFI)
10. neuroticism
11. compatibility
12. extroversion
13. agreement
14. openness

جدول ۱ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای تمایزیافتگی، بخشودگی، معناداری زندگی و رضایت زناشویی را نشان می‌دهد.

جدول ۱

میانگین، انحراف استاندارد و حداقل و حداکثر نمره متغیرهای پژوهش

شاخص آماری	M	SD	حداقل نمره	حداکثر نمره	کجی	کشیدگی	تعداد
تمایزیافتگی	۱۰۹/۳۸	۲۲/۲۳	۶۶	۲۰۰	۰/۱۹	۱/۹۲	۲۵۶
بخشودگی	۴۲/۸۰	۱۰/۶۹	۲۰	۶۶	-۰/۲۴	-۰/۲۴	۲۵۶
معناداری زندگی	۴۹/۸۷	۱۲/۰۸	۲۶	۶۸	-۰/۴۲	-۱/۲۱	۲۵۶
رضایت زناشویی	۱۰۷/۰۳	۲۱/۸۵	۶۶	۱۷۱	-۰/۲۴	۰/۲۸	۲۵۶

جدول ۲ ضرایب همبستگی ساده تمایزیافتگی، بخشودگی و معناداری زندگی با رضایت زناشویی دانشجویان را نشان می‌دهد. همان‌طوری که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ضرایب تمایزیافتگی با رضایت زناشویی ($r = ۰/۶۶$ و $p \leq ۰/۰۰۱$)، بخشودگی با رضایت زناشویی ($r = ۰/۴۶$ و $p \leq ۰/۰۰۱$) و معناداری زندگی با رضایت زناشویی ($r =$ ۰/۵۵ و $p \leq ۰/۰۰۱$) مثبت و معنادار هستند و در نتیجه فرضیه‌های ۱، ۲ و ۳ تایید می‌شوند.

جدول ۲

ضرایب همبستگی ساده بین تمایزیافتگی، بخشش و معناداری زندگی با رضایت زناشویی

متغیر ملاک	متغیر پیش‌بین	شاخص‌های آماری		
		ضریب همبستگی	سطح معناداری	تعداد
رضایت زناشویی	تمایزیافتگی	۰/۶۶	≤ ۰/۰۰۱	۲۵۶
	بخشودگی	۰/۴۶	≤ ۰/۰۰۱	
	معناداری زندگی	۰/۵۵	≤ ۰/۰۰۱	

به‌منظور پاسخ به پرسش پژوهش از تحلیل رگرسیون به روش گام‌به‌گام استفاده شد. نتایج حاصل در جدول ۳ نشان داده شده است. یافته‌های جدول ۳ حاکی از آن است که در نمره کل مقیاس رضایت زناشویی به ترتیب متغیرهای تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی از قدرت پیش‌بینی معنادار و بالاتری برخوردار هستند. به‌عبارت‌دیگر نتایج نشان داد که در گام اول متغیر تمایزیافتگی به‌تنهایی ۴۴ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌کند و زمانی که متغیر معناداری زندگی وارد معادله می‌شود، ضریب بالا به ۵۳ درصد و در گام سوم با ورود متغیر بخشودگی این ضریب به ۵۴ درصد می‌رسد؛ بنابراین تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی جمعا ۵۴ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌کنند.

جدول ۳

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون به شیوه گام‌به‌گام بر روی متغیرهای پژوهش

مرحله پیش‌بینی	پیش‌بین	R	R^2	F	Beta	T	P
۱	تمایزیافتگی	۰/۶۶	۰/۴۴	۱۹۵/۳۳	۰/۶۵	۱۳/۹۷	۰/۰۰۱
۲	تمایزیافتگی	۰/۷۲	۰/۵۳	۱۴۰/۷۰	۰/۵۱	۱۰/۸۸	۰/۰۰۱
	معناداری زندگی				۰/۳۳	۷/۰۰	۰/۰۰۱
۳	تمایزیافتگی	۰/۷۳	۰/۵۴	۹۶/۴۹	۰/۵۰	۱۰/۴۴	۰/۰۰۱
	معناداری زندگی				۰/۲۷	۴/۹۶	۰/۰۰۱
	بخشودگی				۰/۱۱	۲/۰۸	۰/۰۳۸

بحث

هدف از پژوهش حاضر نقش تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی در پیش‌بینی رضایت زناشویی در دانشجویان زن متأهل بود. تحلیل داده‌ها نشان داد که تمایزیافتگی با رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری دارد. این نتیجه با یافته‌های آریامنش و همکاران (۱۳۹۲)، بیرامی و همکاران (۱۳۹۱)، بیادسی _ آشکار و پلژ (۲۰۱۳)، طالبی و غباری بناب (۱۳۹۲)، قمری کیوی و همکاران (۱۳۹۴)، گابلمن (۲۰۱۳)، مجد و همکاران (۱۳۹۴) و لیکانی (۲۰۱۳) همسو است. نتیجه این پژوهش با نظریه بوئن هماهنگ است. در تبیین رابطه مثبت تمایزیافتگی با رضایت زناشویی باید اظهار داشت که تمایزیافتگی بالا فرد را قادر می‌سازد تا مرزها را تنظیم کند. درواقع تمایزیافتگی، از آمیختگی زن و شوهر در مواقع بحرانی جلوگیری می‌کند و آنها را قادر می‌سازد تا مشکلات موجود در رابطه را، با عقل و منطق و نه بر اساس واکنش‌پذیری‌های هیجانی و احساسی، رفع کنند. در سمت مقابل، تمایزنایافتگی زوج‌ها از طریق فاصله‌گیری عاطفی از یکدیگر در موقعیت‌های دشوار، آنها را به سمت دلزدگی سوق می‌دهد. بر اساس نظریه بوئن تمایزیافتگی اشاره به توانایی ایجاد تعادل بین نیروهای عقلی و فرایندهای عاطفی در سطح درون‌روانی و ایجاد تعادل بین حفظ فردیت همراه با تجربه صمیمیت در سطح بین‌فردی می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت افراد تمایز نایافته روی هم‌رفته در روابط صمیمانه با دیگران مستحیل می‌شوند؛ درحالی‌که افرادی که به‌خوبی تمایزیافته‌اند قادرند خود تعریف‌شده‌شان را حفظ کنند. افراد تمایزیافته ذاتا خود رهبرند، افکار و احساسات خاص خودشان را دارند و اجباری در وفق دادن خود با انتظارات دیگران ندارند (حسینیان و نجفلویی، ۱۳۹۰).

بسیاری از تحقیقات، تمایزیافتگی را به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی و صمیمیت زناشویی مطرح می‌کنند. زن و مردی که سطح تمایزیافتگی پایینی داشته باشند، زمانی که ازدواج می‌کنند انتظار می‌رود بلوغ عاطفی کمتری را دارا و ظرفیتی محدود برای صمیمیت و یکی شدن داشته باشند. این مسئله نیازمند این می‌شود که هر دو نفر (زن و مرد) برای پایداری ازدواجشان رشد و خود رهبری‌شان را قربانی ازدواج کنند (نجفلویی، ۱۳۸۵). در مقابل در نظام‌های زناشویی تمایزیافته، همسران به یکدیگر اجازه می‌دهند که نقشی نرمش‌پذیرتر و رابطه‌ای صمیمانه‌تر داشته باشند و تفاوت عقاید یکدیگر را تحمل و واکنش عاطفی کمتری را تجربه کنند. به سخن دیگر، برای این‌که مشکلات کمتری داشته باشند در پاسخ به عواطف دیگران آرامش خود را حفظ کنند که این ویژگی‌های افراد تمایزیافته موجب استحکام روابط زوج‌ها و افزایش رضایت زناشویی و سازگاری روان‌شناختی بهتر آنها می‌شود (ساداتی، ۱۳۹۳).

از دیگر نتایج این پژوهش این بود که بخشودگی با رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری دارد. نتایج حاصل با یافته‌های احتشام زاده و همکاران (۱۳۸۸)، باکوس (۲۰۰۹)، برایت‌وایت و همکاران (۲۰۱۳)، تسه و ییپ (۲۰۰۹)، خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۸۹)، دغاغله و همکاران (۱۳۹۱)، زارع و همکاران (۱۳۹۲)، زندی‌پور و یادگاری (۱۳۸۶)، زهتاب نجفی و همکاران (۱۳۹۰)، صلاحیان و همکاران (۱۳۸۹)، فینچام و بیچ (۲۰۰۷)، لیسیگا (۲۰۱۳) و نادری و همکاران (۱۳۹۴) همسو و هماهنگ است و یافته‌های پژوهشی آنها را مورد تأیید

قرار می‌دهد. در تبیین رابطه مثبت بخشودگی با رضایت زناشویی می‌توان اظهار داشت که بخشودگی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در رضایت زناشویی محسوب می‌شود. توانایی بخشش همسر می‌تواند به عامل پابرجایی رابطه و افزایش رضایت زناشویی منجر شود؛ بنابراین بخشندگی با توقف پاسخ‌های خصمانه آشکار و نهان، باعث کنترل تکانه‌های پرخاشگری، کاهش تعارض زناشویی و دلزدگی و افزایش رضایت در روابط زناشویی می‌شود (باکوس، ۲۰۰۹). افرادی که قادر به بخشش همسر خود هستند اعتقاد بر تقدس رابطه زناشویی خود دارند و این توانایی بخشش همسر به استحکام بیشتر رابطه زناشویی و افزایش رضایت زناشویی می‌انجامد. بخشودگی تعاملات منفی زوج‌ها را از بین می‌برد و آنها را در اتحادی دوباره به هم نزدیک می‌کند. نتیجه چنین اتحادی افزایش رضایت از زندگی مشترک است که در نتیجه آن زوج‌ها می‌توانند عملکرد سالم خود را بازیابند و این الگو علاوه بر تضمین سلامت روانی، در نسل‌های بعدی هم تداوم یابد؛ بنابراین ازجمله مداخلات ارتباطی که به‌طور مؤثر رابطه عاطفی بین زوجین را تقویت می‌کند، مدارا کردن و بخشایش دلخوری‌ها است که به‌طور بالقوه یک مداخله بسیار توانمند است (ورثینگتون و همکاران، ۲۰۱۵). یک رابطه زناشویی صمیمی مستلزم آن است که زوجین یاد بگیرند باهم ارتباط برقرار کنند و باهم متفاوت باشند. کسی که در فکر ازدواج است و یا ازدواج می‌کند، انتظار دارد این زندگی با خوشبختی، سعادت و رضایت همراه باشد و از لحظه لحظه زندگی خود لذت ببرد؛ بدین سبب، آنچه از خود ازدواج مهم‌تر به شمار می‌رود، موفقیت در ازدواج یا رضایت زناشویی زوجین است. رضایت زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و باهم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند (اولسون، مارشال، گودارد و شرام، ۲۰۱۵).

همچنین یکی دیگر از نتایج این پژوهش حاکی از این بود که معناداری زندگی با رضایت زناشویی رابطه مثبت معناداری دارد. نتایج حاصل با یافته‌های آقابابایی (۱۳۸۹)، تبریزی (۱۳۸۳)، ربانی و بهشتی (۱۳۹۰)، طالب‌زاده شوشتری و یوسفی (۱۳۹۱)، غفوری و همکاران (۱۳۹۲)، گواهی جهان (۱۳۸۷)، نصیری و جوکار (۱۳۸۷)، وو (۲۰۰۹)، هالوما و ددووا (۲۰۰۷؛ به نقل از نصیری و جوکار، ۱۳۷۸)، هو و همکاران (۲۰۱۰؛ به نقل از غفوری و همکاران، ۱۳۹۲)، یزدخواستی و همکاران (۱۳۸۷) و یی هو و همکاران (۲۰۱۰) همسو و هماهنگ است و یافته‌های پژوهش آنها را مورد تأیید قرار می‌دهد. یافته‌های به‌دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که داشتن معنا در زندگی با رضایت زناشویی رابطه مثبت و معناداری دارد؛ یعنی داشتن معنا در زندگی می‌تواند نقشی در رضایت زناشویی و درنتیجه بهداشت روانی زوجین داشته باشد. معناداری زندگی و جایگاه و اهمیت آن برای برخوردار بودن از یک زندگی خوب و شاد، امری انکارناپذیر و غیرقابل کتمان است. برخی از مولفان با توجه به یافته‌های موجود ادعا نمودند که وجود و احساس معنا در زندگی مانند کلیدی است که می‌تواند قفل و گره مشکلات زندگی را باز نماید و باعث شود تا افراد کنش‌های مثبتی انجام دهند (فرانکل، ۱۹۸۴، ۱۹۶۳). به همین لحاظ اغلب زندگی معنادار را از عوامل مهم رضایت زناشویی می‌دانند. لذا با توجه به نتایج پژوهش‌ها وجود معنا در زندگی عنصری اساسی در رضایت زناشویی است، چرا که رضایت زناشویی یکی از مهم‌ترین عوامل پیشرفت در دستیابی به اهداف زندگی است.

ازآنجایی‌که نمونه تحقیق تنها شامل دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول بود، لذا در تعمیم نتایج آن به گروه‌های سنی دیگر و زنان غیردانشجو لازم است احتیاط بیشتری به عمل آید. با توجه به نتایج این پژوهش، به سایر درمانگران و مشاوران پیشنهاد می‌شود، به نقش متغیرهای پژوهش، در از بین بردن دلزدگی زناشویی و استحکام خانواده و افزایش رضایت زناشویی، توجه و از آنها برای بهبود فرآیند زوج‌درمانی و پیشگیری از روند دلزدگی بین زوج‌ها استفاده شود. به‌علاوه پیشنهاد می‌شود از نتایج این تحقیق در جهت آگاهی‌افزایی زوج‌های در شرف ازدواج استفاده شود. همچنین تحقیقی مشابه بر روی دانشجویان مرد انجام گیرد تا بتوان نتایج حاصل از داده‌های مربوط به دو جنس را مقایسه کرد.

منابع

احتشام‌زاده، پ.، مکوندی، ب.، و باقری، ا. (۱۳۸۸). رابطه بخشودگی، کمال‌گرایی و صمیمیت با رضایت زناشویی در جانبازان و همسران آنها. *مجله یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۴*، ۱۳۶-۱۲۳.

آریامنش، ص.، فلاح‌چای، ر.، و زارعی، ا. (۱۳۹۲). مقایسه تمایزیافتگی بین زوج‌های رضایت‌مند و زوج‌های دارای تعارض زناشویی در شهر بندرعباس. *مجله پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، ۳، ۸۱-۸۹.

آسوده، م. ح.، خلیلی، ش.، لواسانی، م.، و دانشپور، م. (۱۳۸۹). *ترجمه پرسشنامه زوجی اینریچ*. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

آقابابایی، ن. (۱۳۸۹). نقش احساس قدردانی از رضایت از زندگی. *روانشناسی و دین، ۳*، ۶۹-۵۵.

بیرامی، م.، فهیمی، ص.، اکبری، ا.، و امیری پیچاکلایی، ا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و مولفه‌های تمایزیافتگی. *مجله اصول بهداشت روانی، ۱*، ۷۷-۶۴.

پرویزی، ج. (۱۳۸۸). نقش تشکیل خانواده در رشد فردی و اجتماعی. *مجله راه تربیت، ۹*، ۷۲-۵۹.

تبریزی، م. (۱۳۸۳). *بررسی و مقایسه اثربخشی گروه‌درمانی تلفیقی زوج‌ها مساحت درمانی گروهی بک و کتاب‌درمانی در کاهش نارضایتی زناشویی*. پایان‌نامه دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی.

ثنایی ذاکر، ب.، علاقبند، س.، فلاحتی، ش.، و هومن، ع. (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.

حسینیان، س.، و نجفلویی، ف. (۱۳۹۰). رابطه تمایز خود نشانگان روان‌شناختی و جسمی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره. *فصلنامه مطالعات زن و خانواده، ۱۱*، ۴۴-۲۹.

خجسته مهر، ر.، کرایی، ا.، و رجبی، غ. (۱۳۸۹). بررسی یک مدل پیشنهادی برای پیشایندها و پیامدهای گذشت در ازدواج. *مجله مطالعات روان‌شناختی، ۱*، ۱۸۴-۱۵۵.

دغاغله، ف.، عسگری، پ.، و حیدری، ع. (۱۳۹۱). رابطه بخشودگی، عشق، صمیمیت با رضایت زناشویی. *مجله یافته‌های نو در روان‌شناسی*، ۲۴، ۶۹-۵۷.

ربانی، ر.، و بهشتی، ص. (۱۳۹۰). بررسی تجربی رابطه دینداری و رضایت از زندگی. *مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، ۱*، ۱۰۲-۷۹.

روایی، ف.، افروز، غ.، حسینیان، س.، خدایاری فرد، م.، و فرزاد، و. (۱۳۹۵). اثربخشی برنامه روان‌شناختی خانواده‌محور مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی بر رضایت زناشویی. دو *فصلنامه روانشناسی خانواده، ۱*، ۳۰-۱۷.

زارع، ح.، غباری بناب، ب.، شمس نطنزی، ع.، و صادق خانی،ا. (۱۳۹۲). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و بخشش با رضایت زناشویی زوجها. *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۸*، ۴۳-۲۲.

زندی‌پور، ط.، آزادی، ش.، و ناهیدپور، ف. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی، بخشش و سلامت روان در زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت گچساران. *فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، ۲، ۱۸-۱.

زندی‌پور، ط.، و یادگاری، ه. (۱۳۸۶). ارتباط بخشش با رضایت از زندگی در بانوان دانشجوی متأهل غیربومی دانشگاه های تهران. *مجله مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، ۳*، ۱۲۲-۱۰۹.

زهتاب‌نجفی، ع.، درویزه، ز.، و پیوسته‌گر، م. (۱۳۹۰). رابطه بین بخشودگی و رضایت زناشویی زوجین کرمانشاه. *فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ، ۸*، ۳۳-۲۳.

ساداتی، ا. (۱۳۹۳). *رابطه علّی تمایزیافتگی، روان‌رنجورخویی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق میانجی‌گری تعارض زناشویی در معلمان مرد مدارس شهر استهبان*. پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

ساداتی، ا.، مهرابی‌زاده هنرمند، م.، و سودانی، م. (۱۳۹۳). رابطه علّی تمایزیافتگی، روان‌رنجورخویی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی با واسطه تعارض زناشویی. دو *فصلنامه روانشناسی خانواده، ۲*، ۶۸-۵۵.

صلاحیان، ا.، صادقی، م.، بهرامی، ف.، و شریفی، م. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و بخشودگی با تعارضات زناشویی. *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی، ۲*، ۱۴۰-۱۱۵.

صیادپور، ز. (۱۳۸۱). ازدواج موفق: بررسی رضایت از ازدواج در دانشجویان. *مجله روان‌شناسی تحولی، ۲*، ۱۵۷-۱۴۵.

طالب زاده شوشتری، ل.، و پورشافعی، ه. (۱۳۹۰). رابطه معنای زندگی با سلامت عمومی کارکنان دانشگاه بیرجند در سال ۹۰-۱۳۸۹. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ۱*، ۶۱-۵۵.

طالبی، م.، و غباری بناب، ب. (۱۳۹۲). تعیین رابطه تمایزیافتگی خود، هوش هیجانی و رضایت زناشویی در مراکز مشاوره شهر شاهرود (ترنم، صبا، روزبه، بهزیستی، بنیاد شهید و امور ایثارگران). *مجله مطالعات زن و خانواده، ۱۸*، ۳۲-۱۵.

عسگری فر، ح. (۱۳۸۰). *نقش بهداشت روان در زندگی زناشویی، ازدواج، طلاق*. تهران: انتشارات گفت‌وگو.

غفاری، ف.، رفیعی، ح.، و ثنایی ذاکر، ب. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش خانواده با استفاده از تئوری سیستمی بوئن بر تمایزیافتگی و کارکرد خانواده‌های دارای فرزند معتاد. *فصلنامه خانواده پژوهشی، ۲۲*، ۲۳۹-۲۲۷.

غفوری، س.، مشهدی، ع.، و حسن‌آبادی، ح. (۱۳۹۲). اثربخشی روان‌درمانی معنوی مبتنی بر بخشودگی در افزایش رضایت‌مندی زناشویی و کاهش تعارضات زوجین شهر مشهد. *مجله اصول بهداشت روانی، ۱*، ۴۱۸-۴۰۶.

قمری کیوی، ح.، شیخ‌الاسلامی، ع.، و صمدی، م. (۱۳۹۴). *رابطه تمایزیافتگی خود و رضایت زناشویی در همسران سازگار و ناسازگار*. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.

گلدنبرگ، ه.، و گلدنبرگ، آ. (۲۰۰۸). *خانواده‌درمانی*. ترجمه‌ی حمیدرضا حسین‌شاهی برواتی، سیامک نقشبندی و الهام ارجمند (۱۳۹۲). تهران: روان.

گواهی جهان، ف. (۱۳۸۷). رابطه بین معنا داشتن در زندگی و رضایت از زندگی زناشویی. *فصلنامه روانشناسی و علوم تربیتی، ۳*، ۶۹-۴۹.

مجد، م.، راضی، ک.، موسوی، م.، و کاظمی، ز. (۱۳۹۴). *بررسی رابطه بین ابعاد تمایزیافتگی خود با ابعاد رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه علوم تحقیقات فارس*. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، موسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.

محمودی‌مهر، م.، و نوابی‌نژاد، ش. (۱۳۸۹). تأثیر زوج‌درمانی گروهی با رویکرد بوئن بر میزان تمایزیافتگی زوج‌ها. *فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، ۳۹*، ۱۸-۷.

مصاحبی، م. (۱۳۸۱). ارتباط بین شباهت در ویژگی‌های شخصیتی زن و شوهر و رضایت از زندگی. *فصلنامه دانش و پژوهش، ۱۲*، ۱۱۷-۱۳۴.

مومنی، خ.، و علیخانی، م. (۱۳۹۲). رابطه عملکرد خانواده، تمایزیافتگی خود و تاب‌آوری با استرس، اضطراب و افسردگی در زنان متأهل شهر کرمانشاه. *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۲. ۳۲۹-۲۹۷*.

نادری، ل.، مولوی، ح.، و نوری، ا. (۱۳۹۴). پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین شهر اصفهان بر اساس همدلی و بخشودن. *فصلنامه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، ۴*، ۷۵-۶۹.

نجفلویی، ف. (۱۳۸۵). نقش تمایز خود در روابط زناشویی. *مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، ۴*، ۳۷-۲۷.

نصرتی، آ. (۱۳۹۰). *بررسی رضایت زناشویی خانواده‌های زنان شاغل و خانه‌دار در شهر تبریز*. پایان‌نامه کارشناسی روان‌شناسی عمومی، دانشگاه پیام نور واحد مرند.

نصیری، ح ا.، و جوکار، ب. (۱۳۸۷). معناداری زندگی، امید، رضایت از زندگی، و سلامت روان در زنان. *فصلنامه پژوهش زنان، ۲*، ۱۷۶-۱۵۷.

یزدخواستی، ح.، منصوری، ن.، زاده محمدی، ع.، و احمدآبادی، ز. (۱۳۸۷). بررسی احساس تمایل و تقصیر با استرس، افسردگی و اضطراب متقاضیان طلاق در شهرهای اصفهان و اراک. *فصلنامه خانواده پژوهی، ۴*، ۲۷۵-۲۶۳.

یوسفی، ن. (۱۳۹۱). بررسی شاخص‌های روان‌سنجی مقیاس خانوادگی تفکیک خویشتن (DSI-2). *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱*، ۳۸-۱۹.

یوسفی، ن.، و کیانی، م ع. (۱۳۹۱). تأثیرگشتالت درمانگری و معنا درمانگری بر کاهش میل به طلاق مردان متقاضی مشاوره. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱*، ۱۵۸-۱۵۰.

References

Asgari, P., & Roshani, K. H. (2013). Validation of Forgiveness Scale and a survey on the relationship of forgiveness and students mental health. *International Journal of Psychology and Behavioral Research, 2*,109-115.

Backus, L. N. (2009). *Establishing links between desecration, forgiveness and marital quality during pregnancy*. Dissertation for Master of Arts, Graduate College of Bowling Green State University.

Batista, J., & Almond, R. (1973). The development of meaning in life. *Psychiatry, 36*, 409-427.

Biadsy-Ashkar, A., & Peleg, O. (2013). The relationship between differentiation of self and satisfaction with life amongst Israeli women: A cross cultural perspective. *Health*, 5, 1467-1477.

Braithwaite, S. R., Selby, E. A., & Fincham, F. D. (2013). Forgiveness and relationship satisfaction: Mediating mechanisms. *Journal of Family Psychology, 25*, 551-559.

Feldman, D. B., & Snyder C. R. (2005) "Hope and the meaningful life: Theoretical and empirical associations between goal-directed thinking and life meaning. *Journal of Social and Clinical Psychology,24*, 401-421.

Fincham F. D., Beach S. R., & Davila J. (2004). Forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of Family Psychology, 18*, 72-81.

Fincham, F. D., & Beach, S. R. H, (2007). Forgiveness and marital quality: Precursor or consequence in well-established relationships? *Journal of Positive Psychology, 92*, 260-268.

Frankl, V. (1984) *.Man's search for meaning* (3rd ed.). New York: First Washington Square Press (Original Work Published 1963).

Frankl, V. E. (1963) *.Man's search for meaning: An introduction to logo therapy*. New York: Washington Square Press.

Gabelman, E. (2013). The effects of locus of control and differentiation of self on relationship satisfaction. *Department of Human Development and Family Science,15*, 1-20.

Kim, T-H., Lee, S.M. Yu, K., Le, S.k., & Puig, A. (2005). Hope and the meaning of life as influences on Korean adolescents resilience: Implications for counselor. *Asia pacific education review, 6*, 143-152.

Liceaga, M. D. (2013)." *You stay, no matter how bad": Women voice the trajectory of marital disaffection*. Dissertation of Doctor of Philosophy, the San Diego State University.

Likcani, A. (2013). *Differentiation and intimate partner violence*. Dissertation for Doctor of Philosophy, College of Human Ecology, Kansas State University.

Olson, J.R., Marshall, J.P., Goddard, H.W., & Schramm, D.G. (2015). Variation in predictors of marital satisfaction across more religious and less religious regions of United States. *Journal of family Issues, 37*, 519-533.

Patrick, S., Sells, J. N., Giordano, F. G., & Tollerud, T. R. (2007). Intimacy, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal, 15*, 359-367.

Philpot, C. (2006). *Intergroup apologies and forgiveness*. Unpublished dissertation for the degree of doctor of philosophy, University of Queensland, Brisbane, Australia.

Rye, M. S., Loiacono, D. M., Folck, C. D., Olszewski, B. T., Heim, T. A., & Madia, B. P. (2001). Evaluation of the psychometric properties of two forgiveness scales. *Journal of Current Psychology, 20*,260-277.

Skowron, E. A., & Schmitt, A. T. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. *Journal of Marital and Family Therapy, 29*, 209-222.

Skowron, E., & Friedlander, M. L. (1998). The differentiation of Self Inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling Psychology, 45*, 235-246.

Tse, W. S., & Yip, T. H. J. (2009). Relationship among dispositional forgiveness of others, interpersonal adjustment and psychological well-being. *Personality and Individual Differences, 46*,365-368.

Worthington, J. E. L., Hook, J. N., Scherer, M., Wade, N. G., Miller, A. J., Canter, D. E., et al. (2015). Forgiveness-reconciliation and communication- conflict- resolution interventions versus retested controls in early married couple. *Journal of Counseling Psychology, 62*, 14-27.

Wu, Ch. (2009). Enhancing quality of life by shifting importance perception among life domains. *Journal of Happiness Studies, 10*, 37-47.

Yee Ho, M., Cheung, F. M., & ShoFai-Cheung, S. F. (2010). The role of meaning in life and optimism in promoting well-being. *Personality and Individual Differences, 48*, 658-663.

Young, E. M., & Long, L. (2006). *Counseling and therapy for couples*. New York: Oxford University Press.